

نقش خانواده در ایجاد تربیت اسلامی فرزندان

فرانک معمر^۱

چکیده

عوامل متعددی در فرآیند تربیت و انتقال ارزش های دینی در کودکان تأثیر گذارند اما خانواده در این زمینه مؤثرترین عامل به شمار می رود زیرا در خانواده است که کودک نخستین آموزش ها را می آموزد و احساس وجود می کند و با آداب و رسوم اجتماعی و مراسم دینی آشنا و به وظایف فردی و مسئولیت های خود پی می برد زیرا شخصیت انسان در خانواده تکوین می یابد و رفتارهای مناسب و نامناسب نسبت به پدیده های مختلف از خانه سرچشمه می گیرد. در این مقاله در پی آن هستیم که با روش کتابخانه ای به بررسی نقش مهم خانواده در تربیت دینی فرزندان بپردازیم.

کلید واژه ها: خانواده، تربیت، اسلام

^۱ طلبه پایه سوم، حوزه علمیه امام خمینی (ره)، شهرستان کرمانشاه

خانواده نخستین مرکز تربیت کودک و معمار اولیه شخصیت اوست. خانواده کنونی است که با حضور فرزندان روابط اعضای آن گسترده تر و تأثیر گذاری مثبت یا منفی آنها بر یکدیگر بیشتر می شود. از آنجا که کودکان مطابق فطرت الهی، خدا پرست و درست کردار به دنیا آمده اند؛ چنانچه در محیط تربیتی آنان، رفتارهایی مطابق آیین توحید باشد و والدین به وظایف خویش آشنا باشند آنان نیز موحد و متقی خواهند شد و گرنه منحرف می شوند.

مسئولیت خانواده ها و پدر و مادر تنها تأمین غذا، لباس و بهداشت فرزندان نیست، بلکه باید آنان را بر فطرت توحیدی و الهی تربیت کنند و بر رفتار و گفتار کودکانشان نظارت کامل داشته باشند. توجه والدین موجب رشد و شادابی و صلاح آنان می شود و آنان را از دام هایی که شیاطین در پیش رویشان گسترده اند نجات می دهد.

اما انگیزه و هدف از نوشتن این بود که با رهنمودهای پیشوایان معصوم جان کودکان و خانواده های آنان را از خطر انحراف نجات یابد زیرا با توجه به اوضاع کنونی جهان که فساد اخلاقی به اوج خود رسیده است و در هر لحظه از زمان به فکر فروپاشی نظام خانواده ها هستند.

۰۱- مفهوم شناسی

خانواده در لغت: به معنای اهل خانه، اهل بیت، مجموعه افراد دارای پیوند سببی یا نسبی که در زیر یک سقف زندگی می کنند، تیره خاندان در اصطلاح: یک واحد اجتماعی است که هدف از آن فرهنگ، قرآن، تأمین سلامت روانی برای سه دسته است. زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندانهمچنین هدف، ایجاد آمادگی برای برخورد و رویارویی با پدیده های اجتماعی است.

تربیت در لغت: به معنای پرورش دادن، پروراندن، رشد و نمو دادن

در اصطلاح: عبارت است از پرورش و به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی و شکوفا و به ثمر رسیدن آنهاست و لذا تربیت مخصوص موجودات زنده است و باید با میل و رغبت با مساعد کردن شرایط حاصل گردد. اسلام در لغت: به معنای تسلیم شدن و گردن نهادن است.

در اصطلاح: گرویدن به آیین آسمانی حضرت محمد (ص) و تسلیم شدن در برابر آن می باشد و گاهی به خود شریعت آسمانی حضرت نیز اسلام گفته می شود. (فرهنگ فارسی عمید، ۱۳۶۳)

۰۲- پرورش بر اساس محبت

روح حساس و دل نازک کودک، تشنه محبت است و او همانطور که به آب و غذا و هوای پاک نیاز دارد، برای رشد شخصیت انسانی اش نیازمند محبت و نوازش است، بزرگترین پیامبر الهی حضرت محمد (ص) در یک دستور تربیتی می فرماید: « أَجِبُوا الصَّبِيَّانَ وَ ارْحَمُوهُم. کودکان را دوست بدارید و با آنها مهربان باشید. » (حرعاملی، ج ۲۱، ص ۴۸۳) و خود نیز هر بامداد دست نوازش بر سر فرزندانش می کشید. حضرت فاطمه (سلام الله علیها) لحظه ای عشق و محبت خود را از فرزندانش دریغ نمی داشت بیشتر اوقات شبانه روز را در کنار فرزندانش می گذراند، با آنان همبازی می شد، آنان را سر دست می گرفت و بالا می انداخت و برایشان شعر و لالایی می خواند. گاه از

شدت خستگی به خواب می رفت و در همان زمان نیز از محبت به فرزند غفلت نمی کرد. (مجلسی، ج ۱۰۰، ص ۹۹) بعضی از مردم علاقه چندانی به کودکان خود نشان نمی دهند، یا اگر علاقه دارند اظهار نمی کنند و در رفتار با آنان خشن، تند و سخت گیرند، اینان بدانند با این روش که روشی غیر انسانی و اسلامی است خود را از رحمت حق محروم می کنند.

وظیفه پدر و مادر تنها تأمین غذا و لباس و بهداشت کودک نیست بلکه فراتر از آن آبیاری کردن مزرعه و دل‌های آنان به آب حیات بخش محبت و عطوفت است. محبت و دوست داشتن خواست طبیعی کودک است، زیرا او کانون گرم و اطمینان بخشی می‌طلبد که در پرتو آن استعدادهایش شکوفا گردد و شخصیتی ساخته و پرداخته پیدا کند و با دنیای پر جاذبه محبت و عاطفه و صمیمیت آشنا گردد. از این رو نوازش والدین به کودک جرأت، شجاعت و اعتماد بنفس می‌بخشد و روحیه او را در برابر مشکلات قوی می‌سازد. (مروجی طبسی، ۱۳۹۰، ص ۶۰)

اکسیر محبت داروی بسیاری از آلام و بیماری‌های روحی و حتی جسمی کودک است. او با محبت آرام و شاداب می‌شود و غنچه دلش شکوفا می‌گردد. کمبود و یا فقدان محبت زمینه ساز بسیاری از بیماری‌های روانی و جسمی کودک از قبیل بی‌اشتهایی، بی‌خوابی، شب‌ادراری، تقلیدهای بی‌مورد، رفتارهای نامعقول، خواب‌های آشفته، افسردگی، عصبانیت و خشونت که سرچشمه همه این بیماری‌ها از بی‌محبتی است.

یکی از علل دروغ‌گویی اطفال، ترس از مجازات است. موقعی که به کودک بگوییم: شیشه اتاق را تو شکسته‌ای؟ اگر کودک بداند که اعتراف او مستلزم مجازات سخت پدر و مادر خواهد بود. غریزه صیانت ذات، او را وادار می‌دارد که به دروغ بگوید من نشکسته‌ام. بچه خود را در مقابل چوب و سیلی طاقت فرسای پدر و مادر ناتوان می‌بیند، برای حفظ خود چاره‌ای ندارد جز آنکه در پناه دروغ رود و گناه خود را انکار نماید. بدیهی است هر قدر مجازات خشن تر باشد ترس زیادتر و اصرار کودک در دروغ بیشتر خواهد بود.

همانطور که در کشورهای استبدادی مردم از ترس مجازات های خشن و اعمال غیر انسانی زمامداران بیشتر دروغ می گویند، در خانواده هایی که پدران و مادران در مجازات کودکان خشونت بیشتری دارند، دروغ کودکان نیز زیادتر است.

درمان این قبیل دروغگویی ها ملایمت مهربانی اولیای اطفال در تربیت فرزندان است. اگر پدران و مادران، فرزندان را با اصول مهر و مودت پرورش دهند، اگر خانواده کانون عطوفت و رأفت باشد، اگر اولیای اطفال انصاف داشته باشند و به وظایف شرعی خود در مورد فرزندان توجه نمایند و آنان را با چوب و سیلی که باعث ددیه می شود نزنند بچه ها در شکستن شیشه و تخلفاتی نظیر آن دروغ نمی گویند و سرانجام کباب نمی شوند.

اگر محبت بین زن و شوهر باشد، اگر عاطفه در خانه حکم فرما باشد، روی بچه های خانه اثر می گذارد و این ها با محبت و عاطفه می شوند و اما اگر محبت در خانه نباشد، اختلاف بین زن و شوهر باشد، عاطفه از خانه رخت می بندد، بچه هایی که در چنین خانه ای بزرگ شده اند بی عاطفه و بی محبت هستند، اگر دختر باشند نمی توانند همسر داری کنند و اگر پسر باشند نمی توانند زن داری کنند. (باقری ملاقامکی، ناصری نژاد، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۳۴)

کودکان باید احساس کنند که والدین با آنان صمیمی و مهربان هستند و آنان را یاری می کنند تا بعدها مسائل خود را با والدین در میان بگذارند. کودکانی که از محبت والدین محرومند، در خانه احساس ناامنی کرده و از زندگی ناراضی بوده، افسرده و پژمرده می گردند. برعکس کودکانی که از محبت والدین سرشارند احساس سکون و آرامش بیشتری می کنند و از روحیه شاد بهره مند بوده و اعتماد بنفس کافی دارند.

مردی حضور پیغمبر (ص) رسید و عرض کرد: من هرگز کودکی را نبوسیده ام. پیامبر فرمود کسی که مهربانی نکند، به او مهربانی نخواهد شد و سپس فرمود فرزندان خود را زیاد ببوسید؛ زیرا با هر بوسه برای شما مقام و مرتبتی در بهشت است. نگاه محبت آمیز پدر به صورت فرزند عبادت است. (حجتی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۲)

۰۱۲- ویژگی اساسی هفت سال اول زندگی از حیث تربیتی بسیار چشم گیر است که عبارت است از

۱. بازی زمینه نضج فیزیکی و کنترل بدنی کودک را فراهم می آورد.
۲. بازی در تکوین ساختمان شخصیت کودک نقشی اساسی دارد. هم گسترش یافتن بخش هوشیار ذهن در اثر ارتباط با اشیا و محیط و هم تخلیه هیجان ها و تعادل یابی ها، هر دو از دستاوردهای بازی است.
۳. بازی در تحول اجتماعی کودک، قدرتی شگرف دارد و پیشرفت زبان و روابط اجتماعی کودک در گرو آن است.

۴. بازی به سبب آنکه فعالیتی ارادی و شوق انگیز است در شکوفایی خلاقیت تأثیر تعیین کننده ای دارد.
(باقری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۸۲)

بازی در جمع روح کودک را شاداب می سازد، زمینه ارتباط سالم و مسالمت آمیز را با اولیا فراهم می نماید و او را به مرحله ای می کشاند که آزادی جمعی را تجربه کند و نظم و انضباط رایج در جمع را بپذیرد و با تکلیف مسئولیت در میان جمع و جامعه را قبول کند. (قائم امیری، ۱۳۷۳، ص ۱۸۴)

۰۱۳- نکات مورد توجه در بازی کودکان

۱. والدین و مربیان و به طور کلی سرپرستان کودک باید باید در بازی کودکان شرکت کنند و با آنها هم بازی شوند؛ زیرا بسیاری از فواید بازی کودکان از این راه بدست می آید. بزرگ سالان از راه هم بازی شدن با کودکان نخست راه و روش بازی با اسباب بازی ها و بازی های جدید را به کودکان می آموزند. دوم اینکه از این راه می توانند بسیاری از سجایای اخلاقی را به کودکان آموزش دهند، در رعایت قوانین و مقررات اخلاقی و اجتماعی به آنها کمک کنند و سوم اینکه شرکت در بازی آنها به نوعی احترام به کودک و شخصیت دادن به اوست؛ زیرا در

این صورت کودک احساس می کند خود و کار او آنقدر اهمیت دارد که والدین یا مربیان به او توجه کرده اند و با او همکار و هم بازی شده اند. (همان، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۱۸)

۲. نکته دیگری که والدین و مربیان در بازی با کودک باید رعایت کنند این است که بکوشند خود را تا حد کودک پایین بیاورند و در واقع با کودک، کودکی کنند، نه اینکه همواره چهره رهبری و هدایت به خود بگیرند؛ زیرا در این صورت است که کودکان بازی طبیعی می بینند و از هدایت ها و راهنمایی های آنان تأثیر می پذیرند.

۳. نباید کودکان را به زور از پرداختن به بازی هایی که به آن علاقه دارند، باز داشت. برای تغییر بازی آنها از نوعی به نوع دیگر، باید به گونه ای رفتار کرد که آنها با رضایت خود، بازی را تغییر دهند. همچنین نباید بازی خاص یا فرد خاصی را به کودکان تحمیل کرد.

از این مطلب بدست می آید که بازی به عنوان یکی دیگر از راهکارهای مؤثر در تربیت کودک است؛ زیرا با توجه به علاقه خاص کودک به بازی و والدین می توانند بسیاری از فضایل اخلاقی را از طریق بازی به کودک بفهمانند و با شرکت در بازی آنها می توانند انواع بازی ها را به آنها یاد بدهند که به نوعی احترام برای کودک محسوب می شود.

از پژوهشی که در رابطه با نقش خانواده در تربیت اسلامی فرزندان انجام شد می توان نتیجه گرفت، خانواده به مجموع افرادی که دارای پیوند سببی یا نسبی هستند و در زیر یک سقف زندگی می کنند و به شریعت آسمانی اسلام اعتقاد دارند خانواده به عنوان یکی از مؤثر ترین عامل تأثیر گذار در تربیت فرزندان می باشد و می تواند فرزند خود را طبق آیین اسلام تربیت کند. چون کودک در خانواده است که به اولین نیازهای خود پی می برد و احساس وجود می کند و پدر و مادر می توانند تأثیر بسزایی در پرورش جسم و روح کودک داشته باشند و او را طبق آموزه های اسلام تربیت و هدایت نمایند و راه را از بی راهه برای او مشخص کنند.

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه ترجمه سید رضی.
۳. آمدی، عبدالواحد (ترجمه محمد علی انصاری)، غررالحکم، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. احدی، حسن و شکوه سادات بنی جمال، روانشناسی رشد، ۱۳۷۶، نشر بنیاد تهران.
۵. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، ۱۳۸۷، موسسه بوستان کتاب قم.
۶. سبزه‌علی، باقری ملا قانکی، ناصری نژاد، برای تمام خانواده، ۱۳۹۸۰، بوستان احمدی قم.
۷. حجتی، مجمد باقر، اسلام تعلیم و تربیت، ۱۳۵۸، انتشارات دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
۸. حسینی، داوود، روابط سالم در خانواده، ۱۳۸۶، دفتر تبلیغات اسلامی قم.
۹. حسینی زاده، سید علی، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت، ۱۳۸۴، پژوهشکده حوزه و دانشگاه قم.
۱۰. حر عاملی، محمدبن حسین، وسائل الشیعه، داراحیاء التراث العربی بیروت.
۱۱. هویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ۱۳۷۳، اسماعیلیان.
۱۲. حیدری نراقی، علی محمد، والدین و فرزندان، ۱۳۸۳، انتشارات مهدی نراقی.
۱۳. سادات، محمد علی، راهنمایی پدران و مادران، ۱۳۷۲، دفتر فرهنگ اسلامی قم.
۱۴. شعبان دخت، علی اصغر، تربیت کودک (از منظر آموزه های دینی)، ۱۳۹۰، انتشارات مشهور قم.
۱۵. قائمی، علی، نظام حیات خانواده در اسلام، ۱۳۷۹، انتشارات امیری تهران.
۱۶. عیسی زاده، عیسی، خانواده قرآنی (ویژگی ها و وظایف اعضای آن)، ۱۳۹۰، موسسه بوستان کتاب قم.
۱۷. غلامی نژاد، فاطمه، روش های فرزند پروری با رویکرد دینی، ۱۳۹۱، کاشان.
۱۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۱۴۰۵، داراحیاء التراث العربی بیروت.

۱۹. مروجی طبسی، محمد جواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل (ع)، ۱۳۸۳، موسسه بوستان کتاب قم.

۲۰. نیک خو، مهدی، گلبرگ زندگی بررسی جنبه های گوناگون رشد و تربیت کودک، ۱۳۸۶، بوستان

کتاب قم.